

حکم امر به معروف و آثار تربیتی آن

زبیرا خاتون^۱، نفیسه سادات هاشمی^۲

چکیده

اصل امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان تعلیمات اسلامی است. عمل به این اصل به نص صریح قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام امت اسلامی را به بهترین امت تبدیل می‌کند. اگر این فریضه از میان برود تعالیم اسلامی از بین رفته و جامعه اسلامی مطلوب تحقق نمی‌یابد. معیار شناخت معروف و منکر از دیدگاه برخی فقها فرامین الهی و حلال و حرام است. برخی دیگر آن را امری فطری می‌دانند. هدف از نوشتار حاضر بررسی حکم امر به معروف و آثار تربیتی آن در جامعه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق نظر وجود دارد، اما در اینکه دلیل اصلی وجوب، آیات و روایات است یا حکم عقل، محل بحث و نظر است. طرفداران دسته اول برخی آن را واجب کفایی و برخی دیگر واجب عینی شمرده‌اند. برخی از آثار این اصل در جامعه این است که باعث ایجاد و تقویت حکومت صالحان، اقامه فرایض دینی، گسترش قسط و عدل و سامان یافتن امور می‌شود.

واژگان کلیدی: امر، نهی، معروف، منکر، حکم، جامعه.

۱. کارشناسی ارشد فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: zubairhussain3@gmail.com

۲. دکتری فقه مقارن، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: hasheminafis@gmail.com

۱. مقدمه

بنابر آموزه‌های اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات دینی است. این دو فریضه اساسی برای نظارت عمومی در جامعه اسلامی است. امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی است. افرادی که این فریضه بزرگ الهی را ترک می‌کنند یا در برابر آن بی‌تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنهاست. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب، بلکه اصل و جوب آن جزو ضروریات دین اسلام است. محدوده امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف واجد شرایط را دربرمی‌گیرد، حتی بر زن و فرزند واجب است که هنگام مشاهده ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر در صورت تحقق شرایط آن به امر به معروف و نهی از منکر مبادرت کنند. امر به معروف و نهی از منکر مربوط به جایی است که شخصی با علم به حکم شرعی و با التفات تخلف کند، اما نسبت به کسانی که به دلیل جهل به حکم شرعی مرتکب گناه می‌شوند ارشاد و راهنمایی لازم است و امر و نهی واجب نیست. همچنین نسبت به کسانی که به دلیل غفلت یا جهل به موضوع مرتکب گناه می‌شوند، تکلیفی نیست مگر اینکه موضوع از امور بسیار مهم نزد شارع باشد که در این موارد باید شخص را متوجه حکم یا متوجه موضوع کرد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. امر

امر در لغت دو معنی دارد که عبارتند از: کار و چیزی که جمع آن امور است: «وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ چون چیزی را اراده کند بدان گوید: باش پس می‌شود». (بقره: ۱۱۷) دوم، فرمان و دستور که جمع آن اوامر است (قرشی، ۱۳۷۷، ۷۳/۱): «وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ چون چیزی را اراده کند بدان گوید: باش پس می‌شود» (بقره: ۱۱۷)؛ «و الْأَمْرُ الْحَالَهُ يَقَالُ أَمْرٌ مُّسْتَقِيمٌ وَالْجَمْعُ «أُمُورٌ» (الفیومی، ۱۳۹۶، ۲۱/۱).

۲-۲. معروف

معروف از ماده عرف به معنای معروف و شناخته شده و خوب درمقابل منکر است (قریشی، ۱۳۷۷، ۷۱۲/۲): «لمعروف اسم للكل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه و المنكر ما ينكر بهما؛ هر کاری که خوبی آن به واسطه عقل یا دین شناخته شود معروف نام دارد و منکر عبارت است از آنچه به واسطه عقل یا شرع مورد انکار و تقبیح قرار گیرد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۶۱/۱). معروف در اصطلاح اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شد (راغب، ۱۴۱۲، ۵۶۱/۱). پس امر به معروف یعنی، «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ؛ امر کردن به نیکی» (اعراف: ۱۹۹). امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح عبارت است از: هر اقدامی که به تحقق معروف کمک و از وقوع منکر جلوگیری کند چه با گفتار باشد و چه با کردار و رفتار (محمدحسن، ۱۳۸۶، ۳۸۱/۲۱). برخی از فقها با الهام از مفهوم کلمه امر و نهی شرط کرده اند که امر به معروف و نهی از منکر از موضع برتر و آمرانه باشد. برای مثال باید گفت که «نماز بخوان» و «شراب ننوش» و با خواهش و موعظه کردن امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۴۶۵/۱).

۳-۲. منکر

منکر از کلمه انکار است و عبارت از فعلی است که عقول صحیح یا شرع به زشتی و قبح آن حکم می کند. بنابراین، منکر به هر فعلی گفته می شود که عرف جامعه از آن ناراضی باشد و آن را قبول نکند. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۷)

۴-۲. امر به معروف و نهی از منکر

مردم راقوال و عمال به کار نیک واداشتن و از زشتکاری بازداشتن از واجبات کفائیه و به فتوای شیخ طوسی، از واجبات عینیه دین مقدس اسلام است و به ادله عقلیه و نقلیه ثابت شده است. در قرآن و حدیث بسی بر آن تأکید شده است. و امر به مستحب و نهی از مکروه مستحب است. (حسینی، ۱۳۷۱، ص ۵۲۱)

۳. شناخت معروف و منکر

بهترین راه شناخت معروف و منکر مراجعه به شرع مقدس و عقل سلیم است. هر چیزی را که شارع مقدس به آن امر و مردم را به انجام آن تشویق کرد آن چیز معروف است. هرگاه شارع مقدس از چیزی نهی کرد و مردم را از انجام آن سرزنش کرد آن چیز منکر است. (میرعظمی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۰) برای شناخت معروف و منکر می‌توان از عقل سلیم بهره برد. از انواع معروف می‌توان به امور واجب و مستحب مانند ایمان، احیای مراکز دینی و مساجد، یتیم‌نوازی و... اشاره کرد (مقدس‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳).

۳-۱. آداب امر به معروف و نهی از منکر

امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر باید از روی لطف و دلسوزی به شخص و جامعه اسلامی به این کار اقدام کند، هدفش رضایت خداوند باشد، از هوس و اظهار برتری پیراسته باشد، در هنگام سخن گفتن بهترین عبارت و کلمات را به صورت حکیمانه و معقول با رفاقت و جلب اعتماد و در نظر گرفتن خدا به کار ببرد و با زبانی لین و نرم سخن بگوید. خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام و هارون دستور می‌دهد نزد فرعون رفته و او را پند و اندرز دهند، اما توجه داشته باشند که با فرعون یعنی، همان کسی که ادعای خدایی کرده بود با زبان نرم و ملایم سخن بگویند تا انداز و هشدارشان اثرگذار باشد. (ر.ک.، طه: ۴۳ و ۴۴) قرآن از این آیه قرآنی استفاده می‌شود که نخستین دستور برای نفوذ در دل‌ها برخورد ملایم و توأم با مهر و عطوفت است. نرمی، ملایمت، گفتار آرام و منطقی و خویشتن‌داری از تندوی واجب‌ترین آداب دعوت است.

۴. شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۴-۱. شرط اول

معروف، واجب شرعی است و منکر، حرام شرعی است. براین اساس، امر به معروف در مورد کسی که واجب را ترک کرده است واجب می‌باشد و در مورد کسی که مستحبی را ترک کرده است، مستحب می‌باشد.

۴-۲. شرط دوم، علم به معروف و منکر

امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، مسئله ۲۷۹۱) و گرنه موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند. اگر عامل از روی اجتهاد یا تقلید، عملی را حرام یا واجب نمی داند امر و نهی او واجب نبوده، بلکه جایز نیست هر چند نزد آمر (براساس اجتهاد یا تقلید) عمل عامل، ترک واجب یا انجام حرام محسوب شود، البته برای امر به معروف و نهی از منکر، یاد گرفتن و شناختن معروف و منکر از باب مقدمه واجب است.

۴-۳. شرط سوم، احتمال تأثیر

اگر آمر یا ناهی احتمال دهد که امر و نهی او هر چند در آینده اثر و نتیجه دارد، واجب است امر و نهی کند، هر چند گمان قوی بر عدم تأثیر داشته باشد. اگر امر به معروف و نهی از منکر توسط آمر به تنهایی احتمال اثر ندارد، ولی با هماهنگی و کمک گرفتن از دیگران احتمال اثر وجود دارد، خداوند می فرماید: «لَعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى؛ شاید او متذکر شود یا از خدا بترسد» (طه: ۴۴). هماهنگی و کمک گرفتن از دیگران برای انجام این واجب مهم، لازم است (سروش، ۱۳۸۷، ۵۰/۱).

۴-۴. شرط چهارم، اصرار بر استمرار گناه

منظور از اصرار و استمرار گناه، مداومت در انجام آن نیست، بلکه ارتکاب عمل هر چند برای بار دیگر است. بنابراین، اگر یک بار شراب نوشید و یک بار دیگر هم بنای نوشیدن داشته باشد نهی از منکر واجب است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۰، ۲۲/۲) براساس این شرط اگر آمر و ناهی بداند که گناهکار قصد تکرار عمل خلافی را که انجام داده ندارد نهی او واجب نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۵۳۴/۱).

۴-۵. عدم مفسده در امر و نهی

امر و نهی نباید مفسده به دنبال داشته باشد. بنابراین، اگر احتمال عقلایی داده شود که در اثر امر و نهی به آمر و ناهی یا به مسلمان دیگر مفسده‌ای مانند ضرر جانی، آبرویی یا مالی برسد یا به حرج می افتند امر و نهی واجب نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ص ۵۳۶)، بلکه در مواردی جایز نیست،

البته اگر معروف یا منکر از اموری باشد که برای شارع مقدس اهمیت زیاد دارد مثل حفظ جان گروهی از مردم یا حفظ اسلام و مانند اینها باید اهمیت لحاظ شود؛ یعنی صرف ضرر و حرج در این گونه موارد، مانع وجوب امر و نهی نیست. بنابراین، اگر برای مثال اقامه حجت‌های الهی برای دفع گمراهی و ضلالت، متوقف بر بذل جان یک نفر یا بیشتر باشد وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود (بجنوردی، ۱۳۹۰، ۲/۲۴).

۴-۶. چند نکته درم مورد شرایط امر به معروف و نهی از منکر

فرد مکلف لازم است درباره هر یک از این امور، نظر مرجع تقلیدش را جویا شود و سپس اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند. امر به معروف در صورتی واجب است که واجد شرایط چهارگانه باشد. بنابراین، اگر امر و نهی یکی از این شرایط را نداشته باشد برای مثال مفسده داشته باشد امر و نهی واجب نیست، هر چند شرایط دیگر را داشته باشد. در امر به معروف شرط نیست که به آنچه عمل می‌کند عمل نماید. این شرط، شرط تأثیر است نه شرط وجوب؛ یعنی امر به معروف بر شخص گناهکار هم واجب است و این نمی‌تواند به عذر اینکه گناه می‌کند خود را از این وظیفه بزرگ تبرئه کند. (نجفی، ۱۴۱۷، ۲۱/۳۷۳)

۵. حکم امر به معروف

امر به معروف از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی است. افرادی که این فریضه الهی را ترک می‌کنند یا در برابر آن بی تفاوت هستند گناهکار خواهند بود. برخلاف تصور برخی که امر و نهی را مربوط به تذکرات فردی در گناهان شخصی می‌دانند این دو واجب در مداری به وسعت تمام دین در حرکت هستند. بنابراین، تمام عرصه‌های موجود در جامعه میدان امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می‌شود که عبارتند از:

- آنچه انجام آن از نظر عقل یا شرع لازم و واجب و یا ارتکابش از نظر آن دو زشت و قبیح باشد امر و نهی در موردشان واجب می‌شود؛

- هر کاری که انجامش از نظر عقل یا شرع خوب و مستحب یا ارتکابش از دیدگاه آن دو پسندیده نیست امر و نهی آن مستحب است.

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات توصلی است؛ یعنی قصد قربت در آن شرط نیست، هر چند با داشتن قصد قربت، پاداش الهی نیز خواهد داشت. بیشتر فقها معتقد هستند هدف از این دو فریضه، تحقق و اقامه معروف‌ها و نابودی منکرهاست و مادامی که این هدف تحقق نیافته بر همه مسلمانان امر به معروف و نهی از منکر واجب است و در هر موردی به مجرد اینکه معروف محقق شد یا منکر از بین رفت و خوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط می‌شود، پس وجوب آنها کفایی است. (نجفی، ۱۳۹۲، ۳۵۹/۲) به عقیده بیشتر متکلمان و فقها امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است؛ زیرا هدف از آن، انجام معروف و از بین رفتن منکر است. اگر این هدف به وسیله عده‌ای تأمین شود دیگران در این زمینه تکلیفی ندارند (نجفی، ۱۳۹۲، ۳۵/۲۱). «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولیاء بعضی یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر ویقیمون الصلاة؛ و مردان و زنان باایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است» (توبه: ۷۱).

۶. ادله وجوب امر به معروف

مستند فقها و علما برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ادله اربعه است.

۶-۱. آیات قرآن

بسیاری از آیات قرآن، به روشنی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را یادآوری می‌کنند. در اینجا بنا به اهمیت این دو حکم الهی و بهره‌مند شدن از چشمه جوشان قرآن به چند آیه اشاره می‌شود:

- «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُقْلِحُونَ؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند». (آل عمران: ۱۰۴) واژه «ولتكن» در آیه مبارکه دلالت دارد بر وجوب وجود گروهی از امت

که مردمان را به خیر بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. خیر، اعم است از واجب و غیرواجب همان گونه که معروف نیز عام است و شامل مندوب (مستحب) هم می شود.

- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید».

(آل عمران: ۱۱۰) برخی از فقها با استناد به این آیه، وجوب امر به معروف و نهی از منکر را چنین استنباط می کنند: «و فی الآیة دلالة علی وجوب الأمر بالمعروف و التّهی عن المنکر، لأنّ خیریتهم إذا كانت من هذا الوجه كان ما نافاه منافيا للخیر، فیکون حراماً؛ و در آیه دلالتی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا زمانی که خیریت مسلمان (یعنی برتر بودنشان نسبت به سایر امت ها) از این جهت (امر به معروف و نهی از منکر) باشد، بنا بر این هر چه با آن (امر به معروف و نهی از منکر) منافات داشته باشد، با خیر بودن نیز منافات خواهد داشت (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۳۷۷/۲). آیاتی که امر به اقامه دین و اقامه صلاه و دیگر فرایض می کنند نیز بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت می کنند: «یا بُنِیَ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ پسر من! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان: ۱۷).

۶-۲. روایات

احادیث و روایات درباره وجوب، اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در شریعت اسلام بسیار زیاد و تعابیر معصومین علیهم السلام در این باره شگفت آور و بی نظیر است. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اینها الناس تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا؛ ای مردم پیش از مردن توبه کنید و امر به معروف کنید تا محفوظ بمانید. نهی از منکر کنید تا یاری شوید» (دیلمی، ۱۳۷۶، ۱۸۱/۱). معتبره مسعده بن صدقه در علل الشرایع از جعفر بن محمد علیه السلام نقل کرده که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «اگر گروهی به طور پنهانی منکری را مرتکب شوند خداوند همگان را به سبب گناه آن گروه عذاب نمی کند، اما اگر آن گروه آشکارا مرتکب منکر شوند و همگان با آنان برخورد نکنند هر دو گروه (خاص و عام)

مستوجب مجازات خدای عزوجل هستند» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۷/۱۱). موثقه طلحه بن زید در وسائل الشیعه به نقل از المحاسن روایت شده که از ابو عبدالله (امام صادق) نقل کرده‌اند: «مردی از قبیله خثعم نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا بهترین عمل در اسلام چیست، فرمود: ایمان به خدا. عرض کرد: بعد از آن چه چیز، فرمود: صلّه رحم. پرسید: بعد، فرمود: امر به معروف و نهی از منکر. مرد پرسید: کدام عمل نزد خداوند بدترین است؟ فرمود: شرک به خدا. پرسید: بعد چه چیز؟ فرمود: قطع رحم. عرض کرد: بعد از آن چه چیز؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف» (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۳۹۶/۱۱). دلالت روایت بر وجوب روشن است؛ زیرا امر به معروف را پس از صلّه رحم قرار داده است. معلوم است صلّه رحم از واجبات مؤکد است، پس رتبه امر به معروف و نهی از منکر بر رتبه واجبات دیگر مقدم است. علاوه بر احادیث فراوان، سیره ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هم یکی از منابع مهم است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر را اثبات می‌کند. امام حسین (علیه‌السلام) یکی از مهمترین اهداف نهضت بزرگ خود را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند.

۳-۶. عقل

امر به معروف و نهی از منکر تنها یک تکلیف تبعیدی و وجوب شرعی نیست، بلکه براساس معیارهای عقلی نیز وجوب و ضرورت دارد. بنابراین، بسیاری از فقهای برجسته، اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر را اقتضا و معلول عقلانیت دانسته و دستورات و تأکیدات وجوبی شرع را ارشاد به همین حکم عقل می‌دانند و برای آن براهین عقلی متعددی اقامه کرده‌اند. برای اثبات وجوب عقلی امر و نهی به قاعده لطف استدلال شده است. همچنین وجوب دفع ضرر از نفس و شکر منعم و... استدلال شده است.

۳-۶-۱. نظرات فقها

شیخ طوسی در اقتصاد می‌نویسد: «به نظر من، دیدگاه بهتر آن است که امر به معروف و نهی از منکر عقلاً واجب هستند به دلیل قاعده لطف. برای وجوب کافی نیست به استحقاق ثواب و عذاب علم داشته باشیم؛ زیرا اگر بگوییم علم به استحقاق ثواب و عذاب کفایت می‌کند و هر دلیلی زیاده بر آن

در حکم مستحب است و واجب نیست، لازم می‌آید که امامت واجب نباشد، پس شایسته‌تر آن است که امر و نهی به دلیل عقل، واجب باشد». (شیخ طوسی، بی‌تا، ۱۴۷/۱) شهید اول می‌گوید: «مدرک وجوب امر به معروف و نهی از منکر، عقل و نقل است و وجوب آنها بر خدای متعال بدین معنا نیست که اثر امر و نهی حاصل آید؛ زیرا اجباری در کار نیست [که اختیار را از بندگان بگیرد]» (عاملی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸).

کاشف الغطا در کتاب کشف الغطا می‌نویسد: «امر و نهی راجح هستند؛ در جایگاه وجوب، واجبند و در موقعیت استحباب، مستحب. با تمام شرایطی که خواهد آمد به دلیل عقل؛ زیرا در باب شکر منعم، یاری خداوند و تقویت دین و شرع مبین، مؤثر هستند و هم چنین به دلیل شرع» (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸، ۴/۴۲۶). قاعده وجوب شکر منعم، قاعده‌ای عقلی است. بنابراین، عقل به لزوم آن حکم می‌کند، (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸، ۵/۱) شهید اول و ثانی در لمعه و شرح لمعه آن می‌گویند که امر به معروف و نهی از منکر عقلاً و نقلاً واجب هستند (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۲/۴۱۰).

۶-۴. اجماع

برخی از فقها بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر ادعای اجماع کرده‌اند. صاحب شرایع الاسلام می‌نویسد: «الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر واجبان إجماعاً؛ امر به معروف و نهی از منکر واجب هستند اجماعاً» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱/۳۱۰). صاحب کتاب جواهر الکلام در توضیح این مطلب آورده است: «فالأمر بالمعروف الواجب والنهي عن المنکر واجبان إجماعاً من المسلمین بقسمیه علیه؛ امر به معروف واجب و نهی از منکر هر دو واجب هستند به (دلالت) هر دو قسم اجماع؛ (یعنی اجماع منقول و محصل)» (نجفی، ۱۳۶۲، ۲۱/۳۵۸). آیت‌الله سید احمد خوانساری در مورد اتفاق نظر علما بر وجوب این فریضه، قائل به ضروری بودن آن شده و می‌گوید: «و اما وجوبهما فی الجملة فهو من الضروریات و يدل علیه الكتاب و السنة؛ و اما وجوب این دو (امر به معروف و نهی از منکر) به صورت کلی (و با صرف نظر از جزئیات آن) از ضروریات است و قرآن کریم و سنت بر این مطلب دلالت می‌کند» (خوانساری، ۱۳۵۵، ۵/۳۹۹). ابن ادریس حلی قائل به وجوب امر به معروف

و نهی از منکر در میان تمام امت اسلامی با مذاهب مختلف آن بود و در این باره می نویسد: «الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر واجب بين الأمة؛ امر به معروف و نهی از منکر در میان امت (اسلام) واجب هستند بدون هیچ نظر مخالفی» (حلی، ۱۴۱۰، ۲/۲۱).

علاوه بر ادله قطعی و کم نظیر قرآنی به روایی، سیره و ادله عقلی تمام علما و فقهای شیعه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق و اجماع محصل و قطعی دارند و اگرچه در برخی از جزئیات مثل واجب کفایی یا عینی بودن یا لزوم قصد غربت و امثال آنها تفاوت نظر دارند، اما در اصل وجوب این دو فریضه هیچ اختلافی نداشته و آن را از ضروریات دین می دانند و ترك آن را حرام و موجب عقوبت الهی معرفی می کنند. بنابراین، در اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر تمام منابع اتفاق دارند و دلالتشان صریح و کامل است.

۷. آثار امر به معروف در جامعه

۷-۱. اجرای احکام اسلام

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْأَعْرَاضُ؛ امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران است و شیوه نیکوکاران. فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن برپا می شود.

۷-۲. برقراری عدالت اجتماعی

برقراری عدالت اجتماعی با امر به معروف و نهی از منکر؛ «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ.. تُرَدُّ الْمَظَالِمُ». (کلینی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۵/۵۵). از طریق امر به معروف و نهی از منکر حقوق و اموال به زور گرفته شده به صاحبانش بر می گردد.

۷-۳. آبادی زمین ها

با امر به معروف و نهی از منکر زمین ها آباد می شود: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضُ؛ با امر به معروف و نهی از منکر، زمین آبادان می شود». (کلینی، ۱۴۰۱، ۵/۵۶)

۷-۴. استواری نظام اسلامی

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ ، يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ ، وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ»
استواری نظام اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است: «با امر به معروف و نهی از منکر از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها سامان می پذیرد». (کلینی، ۱۴۰۱، ۵/۵۶)

۷-۵. امنیت در جامعه اسلامی

امام باقر علیه السلام: «با امر به معروف و نهی از منکر راهها ایمن می شود». (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۱۱۹/۱۶) هر جامعه‌ای برای پویایی خود نیازمند آرامش و امنیت از جانب داخل و خارج است. مهمترین آثار اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، حفظ امنیت است. سایر آثار اجتماعی این فریضه مثل بقای جامعه، آبادانی اجرای احکام، وحدت، سازندگی و... همگی در راستای برقراری امنیت در جامعه قرار می گیرند و به نوعی با ایجاد امنیت مرتبط هستند.

۷-۶. شکوفایی اقتصاد

در سوره اعراف آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند، ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشاییم». (اعراف: ۹۶) ایمان و تقوا سبب نزول برکات الهی می شود. یکی از مصادیق تقوی، امر به معروف و نهی از منکر است (قرائتی، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

۷-۷. پاکیزگی کسب و کار

امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَحِلُّ الْمَكَاْسِبِ؛ با امر به معروف و نهی از منکر درآمدها حلال می شود». (حرعاملی، ۱۳۸۶، ۱۱۹/۱۶)

۷-۸. محکم کردن دل مؤمنین

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کسی که امر به معروف کند به مؤمنان پشت گرمی دهد». (الآمدی، ۱۳۶۶، ۱۸۱/۲) یکی از آثار مترتب بر امر به معروف، محکم کردن دل مؤمنان و ایجاد پشتوانه برای



آنهاست تا کسی جرأت تعرض به حدود خداوند و زیر پا گذاشتن فرمان های الهی را به خود ندهد و نتواند در بین مؤمنان فساد و تباهی ایجاد کند.

۷-۹. ذلیل کردن منافقین و کافرین

امام علی علیه السلام می فرماید: «من نهی عن المنکر ارغم انوف الفاسقین (او الکافرین و المنافقین)؛ کسی که نهی از منکر کند بینی فاسقان (یا کافران و یا منافقان) را به خاک مالیده است». (الآمدی، ۱۳۶۶، ۱۸۱/۱)

۷-۱۰. عزت مؤمنین

امام صادق علیه السلام فرمود: «حَسَبُ الْمُؤْمِنِ عِزًّا إِذَا رَأَى مُنْكَرًا أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَلْبِهِ إِنْكَارَهُ؛ برای عزت مؤمن همین کافی است که هرگاه منکری را ببیند خداوند عزوجل بداند که در دل آن را انکار می کند». (کلینی، ۱۴۰۱، ۶۰/۵)

۷-۱۱. بهترین امت بودن

کسب بهترین بودن برای امت اسلامی در گرو امر به معروف و نهی از منکر است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اید (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان می آوردند برای آنها بهتر بود، (ولی تنها) کمی از آنها باایمانند و بیشتر آنها فاسقند [و خارج از اطاعت پروردگار]». (آل عمران: ۱۱۰) برخی از صحابه می گویند: «هرکس می خواهد بهترین این امت باشد به شرط خداوند که ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است، وفا کند» (طبرسی، ۱۳۸۴، ۸۱۱/۲).

۷-۱۲. نجات از عذاب

در قرآن کریم در مواجهه با منکر، کسانی از عذاب نجات می یابند که امر به معروف و نهی از منکر کنند: «فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوْءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِزِّ بَيْسٍ بِمَا كَانُوا

۸. نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر از کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین مسائل اسلامی است. آیات و روایات بسیاری از منظر متعدد و متنوعی به این وظیفه اجتماعی، دینی و سیاسی تأکید کرده و ابعاد مختلف آن را گوشزد کرده‌اند. این دو گنجینه الهی با همه ذخایر گران قدر خود همواره در زیر طبقات سهل انگاری‌ها، فراموشی‌ها و غفلت‌ها مدفون شده‌اند. به نظر می‌رسد علت عمده این مسائل، ناآگاهی به جایگاه، آثار و شیوه‌های عملی موفق باشد. نتیجه به دست آمده مؤید این امر است که امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی و توصلی است و عمل به آن در ایجاد امنیت و انتظام اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. گسترش امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع به هدایت افراد، اصلاح جامعه و برقراری امنیت در راستای نظم اجتماعی کمک مؤثری می‌کند. انضباط اجتماعی برپایه فریضه امر به معروف و نهی از منکر باعث اقامه واجبات، اصلاح امور دین و دنیا و برقراری نظم و امنیت اجتماعی می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. اصفهانی، راغب حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالقلم.
۲. آمدی، عبدالواحد (۱۹۸۷). غررالحکم و دررالکلم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳. بستانی، فوادفرام (۱۳۷۶). ترجمه کامل المنجد ابجدی المنجد. مترجم: مهیار، رضا. تهران: اسلامی.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۱۱). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. محقق: محمد الراجزی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. حرانی، ابومحمد (۱۳۹۳). تحف العقول. مترجم: حسن زاده، صادق. قم: آل علی.
۷. الحلی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن ادريس عجلی حلی (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۸. خوانساری، احمد (۱۳۵۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. مترجم: غفاری، علی اکبر. تهران: مکتبه الصدوق.
۹. خوانساری، جمال الدین (۱۳۸۵). شرح خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۳۷۶). ارشاد القلوب. مترجم: طباطبایی، سید عباس. قم: انتشارات جامع المدرسین.

۱۱. رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. دشتی، محمد. قم: انتشارات مشرقین.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی بن محمد شامی (بی تا). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد (۱۳۸۷). روضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. محقق: کلانتر، سید محمد کلانتر. قم: قدس.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد (۱۴۱۳). مسالک الافهام فی شرائع الاسلام. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۱۵. شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۹۳). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: شمیم کوثر.
۱۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد. بی جا: تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا (ع).
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۱). المیزان. بیروت: مؤسسه آل علمی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴). مجمع البیان فی التفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. فرشی، علی اکبر (۱۳۷۷). مفردات نهج البلاغه. تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
۲۱. فیومی، احمد بن محمد (۱۳۹۶). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. بیروت: طلیعه نور.
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۲۱). امر به معروف و نهی از منکر. تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۲۳. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. کاشف الغطا، شیخ جعفر (بی تا). کشف الغطا، عن مہمات الشریعه الغراء. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۲۵. کاظمی، الفاضل (بی تا). مسالک الأفهام الی آیات الأحکام. تهران: مرتضوی.
۲۶. کلینی، ابوجعفر (۱۴۰۷). اصول کافی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
۲۷. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. محقق: محمد علی بقال، عبدالحسین. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۳۷). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۲۹. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۹۰). مباحث حقوقی تحریر الوسیله. تهران: انتشارات مجد.
۳۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۹). توضیح المسائل. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۳۲. النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. محقق، قوچانی، عباس. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل. قم: مؤسسه اهل البیت.